

نوشته شده توسط: م. ع. اطرافي

ختم جنگ سرد، ظهور تروریسم و بروز بحران نظام سرمایه داری جهانی

شستن خون به خون ادامه جنگ است. شستن خون به آب سراغاز صلح است. تصادم انقلاب و جهادافغانستان ازجانب دو ابر قدرت جنگ سرد کنترول و حمایت میشد. پیروزي جهاد افغانستان منجر به ختم جنگ سرد و دست آوردهاي ذیل گردید:
در بعد خارجي.

- ابر قدرت شرق شکست خورد و متلاشي گردید.

- ابر قدرت غرب به بهاي خون افغانها پیروزمند برآمد و بحیث ابر قدرت یکه تاز در جهان قد بلند کرد.

-کشورهاي اروپاي شرقي و کشورهای آسیای میانه از قید سلطه ابر قدرت شرق رها و آزاد گردیدند.

- دیوار برلین فروریخت.

- نظامیان پاکستان مالک و صاحب سهام بزرگ در کارپريشن هاي بزرگ اقتصادي شدند.

در بعد داخلي:

- انقلاب پارچه پارچه شد و انقلابيون متواري گردیدند.

-جهاد پیروزي اش را با ریختن خون شهروندان کابل درجنگ هاي بين المجاهدين درماتم و افسوس تجلیل کرد که سبب ظهور طالبان گردید.

دست آوردهاي ما.

- از باران برخاستیم و بزیر ناودان نشستیم.

- شیردل رفت و پردل آمد.

بهاي كه پرداخته شد:

- در حدود دوميون كشته و يك مليون معيوب، معلول، بيوه و يتيم شدند كه امروز باردوش جامعه ما گرديده اند.

_ در حدود يك مليون نفر در داخل كشور مجبور به مهاجرت شدند.

- در حدود شش مليون افغان به كشور هاي همسايه و ديگر كشور ها مهاجر شدند.

_ شب هاي تيره و سياه بي امي و فير راکت هاي کور به منازل اهالي شهر کابل که توان

اقتصادي مهاجرت را به خارج نداشتند زندگي و آرامش شهريان کابل را به مخاطره

کشانيد و شهر کابل رابه ماتمکده مبدل ساخت. ترس و وحشت در فاميل ها مستولي بود.

هيچ کس بحال مردم رحم نميکرد. اينطور معلوم ميشود که انسانيت و هيومانيزم از

قاموس سياست جهاني زدوده شده است.

- فقر، ذلت، خواري، دربدري، کمبود مواد غذايي و امراض گوناگون جامعه مارا خورد و

خمير ساخت. وطن ما به ويرانه مبدل گشت بخصوص شهر زيبي کابل بيرحمانه کوبيده

شد که مسئوليت انرا سازمان استخبارات نظامي پاکستان آي-ا-س-آي بعهده گرفت که

رئيس عمومي ان سازمان اين امريه را صادر کرده بود " کابل را بايد به آتش کشانيد "

که در کتاب تلك خرس فصل نهم صفحه . ۱۶ به ان اعتراف شده است.

جنرال ضياوالحق رئيس دولت پاکستان هم فرمان صادر کرده بود که " افغانستان را بايد

اهسته اهسته به آتش کشانيد " به جنرال مذکور شديدترين جزائي نيت و فرمان شوم اش

داده شد و در يك سانحه هوائي نيست و نابود گرديد اعتراف اين فرمان نيز در فصل اول

صفحه ۲۹ همان کتاب تلك خرس نقل قول شده است.

- اردوي ملي ما متلاشي گرديد. تجهيزات، وسايل ووسايط زميني و هوايي، سلاح ها و

مهمات اردوي ما به يغما برده شد و در پاکستان به قيمت هاي گاه ماش و از کار افتاده

بفروش رسانيده شد که مسئوليت انرا نواز شريف صدر اعظم وقت پاکستان در گذارش

اش به پارلمان پاکستان با غرور و افتخار بعهده گرفت.

- از مجبوریت های مهاجرت مردم ما سوء استفاده ها کردند. یکتعداد شخصیت های ملی ما را ترور کرده به شهادت رسانیدند، یکعده را به بهانه های گوناگون زندانی و شکنجه کردند. یکعده را در سازمانهای جهنمی استخبارات جذب و استخدام کردند. حرمت و آزادی مردم ما را صلب و لگدمال کردند.

ظهور تروریزم یا جنگ های پراکسی.

نطفه های تروریزم در جریان جهاد افغانستان ریخته شده بود. باوصف قطع جنگ سرد، شکست ابر قدرت شرق و پیروزی جهاد افغانستان جنگ ها در افغانستان همچنان ادامه پیدا کرد و شدید تر شده رفت. تروریزم جهانی به جنگ های دوامدار در افغانستان قانونیت بخشید که امروز مردم مادر سه جبهه کشته میشوند.

- جنگ سرد خاتمه یافت. در ختم جنگ سرد بازنده اصلی افغانها هستند که از پل و گذرگاه جنگ های داخلی و جنگ سرد به جنگ های پراکسی قرن بیست و یکم کشانیده شدند. ویژگی های جنگ پراکسی نسبت به جنگ سرد پیچیده تر و مغلق تر است. زیرا بازی جنگ سرد در پیشروی پرده تمثیل میشد. هدف ها، دوست و دشمن معلوم بود. پیروزی و شکست پیش بینی شده میتوانست. اما جنگ پراکسی در عقب پرده تمثیل میشود. هدف ها پنهان، مخفی و پوشیده است. چهره های بازیگران اصلی در ماسکها پوشیده شده است. فرق بین دوست و دشمن شده نمیتواند. در روی صحنه بازیگران جنگ پراکسی تروریزم و انتی تروریزم هستند که از گروپ های نامتجانس در وجود تروریزم تعریف ناشده جمع شده اند و هر یک اهداف خود را تعقیب مینمایند و از طرف قدرت های گوناگون جهان که در قضایای افغانستان دخیل هستند و اهداف ستراتیژیک دارند حمایت و رهبری میشوند. در جبهه انتی تروریزم هم کشورهای مختلف جهان شرکت دارند که هر کدام از خود اهداف خاص دارند. یگانه وجه مشترک که بین جبهه تروریزم و انتی تروریزم وجود دارد اینست که هر دو جبهه مردم را بیرحمانه و غیر مسئولانه به قتل می‌رسانند که از نگاه و نظر مردم بین این دو هیچ فرق و تفاوت وجود ندارد. جنگهای

پراکسی دوامدار و فرسایشی است. هیچ طرف برد ندارد. بازنده اصلی در این جنگ باز هم مردم افغانستان است که در سه جبهه کشته میشوند.

یگانه راه نجات از این ورطه هلاکت و تباهی اتحاد و وحدت نظر و عمل همه افغان ها است که جبهه صلح سرا سري را در داخل و خارج کشور ایجاد نمایند و از طریق تبلیغات، نشرات، گردهمایی ها، مارشها و تظاهرات صلح آمیز خواستههای شانرا به گوش جهانیان برسانند. به یقین کامل مردم صلح دوست جهان از جنبش صلح افغانستان حمایت و پشتیبانی مینمایند. امروز سرنوشت جهان بدست حلقه های ماجراجو و افراطی که به جز جنگ و خونریزی به هیچ چیزی دیگر اعتقاد ندارند افتیده است. برای کسب پول اگر جوی های خون جاری شود و یا ملیون ها انسان از فقر، گرسنگی و کمبود مواد غذایی جانهای شانرا در رنج و ناامیدی از دست بدهند باکی ندارد. امروز دارایی های هیچ کشور جهان در امن و امان نیست. تروریزم هم در حوزه و اطراف ذخایر اقتصادی دست ناخورده کشور های جهان تولد شده، رشد و نمو کرده و میکند و بحیث يك قدرت جهانی مبدل گشته که با بزرگترین قدرت نظامی جهان مقابله میکند. در جاهاییکه ذخایر اقتصادی وجود ندارد تروریزم هم وجود ندارد. خدا کند که زیر کاسه نیم کاسه ها نباشد که مردم افغانستان کفاره انرا به بهای خون و جان خود و از دست دادن ذخایر اقتصادی خود بپردازند.

بروز بحران نظام سرمایه داری جهانی.

واقعیت امر این است که نظام سرمایه داری جهانی به بحران عمیق فروپاشی مواجه گردیده دیگر نمیتواند نیازمندی های عصر کنونی جامعه جهانی را برآورده بسازد و رو بزوال رفته میرود. نبود بازار فروش تولیدات صنعتی و خدماتی و قلت بازار خرید موادخام و بلند رفتن سرسام ا و ر بهای نفت و گاز در سطح جهان عامل دیگری است که نظام سرمایه داری را به بحران عمیق و بن بست کشانیده است. توزیع غیرعادلانه مفادحاصله بین کارفرما و کارگر عامل اساسی این بحران بشمار می آید که کار فرما هیچگاه به ان تن

در نداده همیشه در فکرازدیاد سرمایه های شان بوده اند که طی سالهای متمادی سرمایه های شان از ملیون به بلیون و از بلیون به تریلیون افزایش یافته است. در مقابل کارگران و زحمت کشان که زمانی از لحاظ اقتصادی در ردیف طبقه متوسط جامعه قرار داشتند به طبقه پائین جامعه سقوط کردند. در جامعه سرمایه داری اگر قدرت خرید مردم سقوط نماید نظام سرمایه داری خود به بن بست مواجه میگردد. رقابت غول های سرمایه در سطح جهان بخاطر سلطه وکنترول بازارها و ذخایر نفت وگاز و معادن، ریفورمهای نیم بند پولی و اقتصادی نظام سرمایه داری را بی اثر و بحران راعمیق تر ساخته است. برای بیرون رفت و نجات از این بحران دو راه وجود داشت:

راه اول اینکه باید در درون نظام سرمایه داری ریفورم و اصلاحات عمیق و اساسی صورت میگرفت توزیع عادلانه مفاد بین کارفرما و کارگرتأمین و تضمین میگردد تا کارگران و سایر طبقات و قشرهای جامعه قدرت خرید شان بلند میرفت و دوباره به سطح متوسط جامعه ارتقا میکردند و به نظام سرمایه داری ثبات می بخشیدند. در سطح جهانی از طریق عقد قراردادهای عادلانه دروازه های بازار خرید و فروش را برای کالاهای خودشان و مواد خام باز می نمودند. و نیازمندی های انرژی شانرا بر مبنای قراردادهای عادلانه در فضای صلح و دوستی تدارک مینمودند. اما قدرت و سرمایه عقل سلیم و تدبیر سالم را از انسان صلب مینماید و انسان را به ماجراجویی و افراط گرایی میکشاند. اگر تاریخ امپراطوری های جهان دقیق مطالعه شود در ورطه همین اندیشه ها و عمل ها غرق و نابود شدند. ابر قدرت یکه تاز جهان از مابین خون و آتش تصادم انقلاب و جهاد افغانستان در میدان جنگ سرد پیروزمندانه قد بلند کرد و با شکست و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی دیگر کدام مانعی در مقابل پیشروی قدرت یکه تاز جهان وجود نداشت مانند همه امپراطوری های قدرت مند جهان باغرور راه دوم و سلف های خودرا انتخاب کرد و خواستند از طریق لشکرکشی ها به بازارها و ذخایر اقتصادی و انرژی دست ناخورده کشورهای افغانستان و منطقه دست رسی پیداکنند و بدین وسیله بحران داخل نظام سرمای داری

جهاني را حل نمايند. همه معيار ها و قوانين بين المللي زير پا گذاشته شد و به افغانستان و عراق حمله نظامي سازمان داده شد. از حمله نظامي امريكا به افغانستان در حدود هشت سال ميگذرد جنگ تروريزم روز بروز شدت ميگيرد و راه بيرون رفت از اين جنگ به بن بست مواجه گرديده است. رقباي سرسخت امريكا در اين مدت كه امريكا مصروف جنگ ها گرديد به پيشرفت هاي چشم گير سياسي، اقتصادي، تخنيكي و نظامي دسترسي پيدا كردند كه بحيث رقباي بالقوه موقف جهان يك قطبي را به چالش گرفته اند.

موقعيت جيو پولي، جيو ايكونومي، سوق الجيشي و شاهراه پايپ لايه هاي نفت و گاز و راه ترانزيت و انتقال اموال تجارتي و موجوديت ذخاير اقتصادي كه در حدود چهار تربيون دلار در افغانستان تخمين شده است توجه همه رقباي اقتصادي و نظامي منطقه و جهان را بخود جلب نموده است. امروز افغانستان بحيث قرص و لانه زنبورهاي مافيايي مواد مخدر و سازمان هاي استخباراتي منطقه و جهان مبدل گشته است. از لحاظ اهميت نظامي افغانستان بحيث داغ ترين نقطه تصادم قدرت هاي اتومي جهان تثبيت گرديده است. سه قدرت اتومي جهان در داخل افغانستان جا بجا شده و پنج قدرت اتومي منطقي در اطراف نزديك افغانستان در حال آماده باش و ترصد موضع گرفته اند.

اگر تروريزم از مرز قرمز دريائي آمو بصوب شمال عبور و نفوذ نمايد احتمال برخوردهاي نظامي شديدتر، وسيعتر و طولاني تر پيش بيني ميشود كه باز هم مردم افغانستان زير پاي غول هاي نظامي كفاره عظيم تر را خواهند پرداخت.

اميد است بين قدرت هاي رقيب به اساس "امتياز بده و امتياز بگير" تفاهم صورت گرفته باشد. و از جنگ جهاني سوم كه آقاي جورج دبليو بوش رئيس جمهور اسبق امريكا در يكي از بيانيه هاي خود وقوع انرا دور از احتمال ندانسته بود جلوگیری شود.

در تركيب تروريزم مجهول الهويه كه سر و كله اش دريك جا تنه اش در ديگر جا و دست و پايش مشغول قتل و قتال مردم افغانستان است شامل گروه هاي واقعا تروريستي، و گروه هاي ازادي بخش ملي، گروه هاي ضد اشغال، ضد ستم و ضد استعمار ميباشد كه در

قرن ۱۹ و ۲۰ بحیث سازمانهای قانون مند برسمیت شناخته شده بودند. ترکیب همین نیروها است که مبارزه با تروریسم را مشکل تر ساخته است. تا زمانیکه امریکا و ناتو واقعیت های عینی منطقه را نادیده بگیرد و رضایت و حمایت مردم محل را بدست نیاورد احتمال پیروزی شان در جنگ با تروریسم بعید به نظر میرسد. هر قدر مردم بیشتر کشته شود بهمان تناسب جبهه تروریسم تقویت شده می رود.

امروز هیچ راز پوشیده مانده نمیتواند. دسترسی به اینترنت، ایمیل، موبایل و اس ام اس همه رازها را افشا مینمایند. سیاست مداران باید درست و سنجیده سخن بگویند و با احتیاط عمل نمایند در غیر آن اعتبار شان را در بین مردم از دست میدهند و مانند آقای تونی بلیر و آقای جورج دبلیو بوش رسوای جهان میشوند.